

بررسی تطبیقی جرم کلاهبرداری در کشورهای اسلامی

(مصر، امارات و ترکیه)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۶)

زهرة کرمی چمگردانی^۱ میرامیرمحمد میرجعفری ترکی

کارشناس ارشد گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

چکیده

جرم کلاهبرداری، از جمله مباحث مهم حقوقی در همه کشورها از جمله ایران است. در شرح و تحلیل این جرم، جزوات و کتابهای حقوقی به رشته سخن درآمده است، حقوقدانان و اندیشمندان فقه اسلام هر کدام بنابر دیدگاه و سلیقه خود نظریات متفاوتی در زمینه مسایل محیط بر این جرایم، ابراز داشته اند. جرم کلاهبرداری در زمره جرایم علیه اموال و مالکیت قرار دارد. تعریف این جرم به صورت مختصر عبارت است از: بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه. طبق رویه قضایی مصر تعریف کلاهبرداری عبارت است از: دروغی که به وقایع خارجی همراه باشد. موضوع جرم کلاهبرداری در قانون مصر اعم از اموال منقول و غیر منقول اما در حقوق کیفری امارت مقید به بردن مال منقول است. رکن حقوقی این جرم ماده ۱ قانون می باشد در اینجا قانون گذار در ماده ۳۳۶ قانون مذکور با اقتباس از قانون فرانسه تنها به بیان کلاهبرداری ساده اکتفا کرده است. به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت خیانت در امانت مشابه است لیکن دارای خصوصیات ویژه ای است که آن را از جرائم مذکور جدا می کند. از جمله به کار بردن وسیله متقلبانه اغفال مال باخته و تسلیم مال از طرف او به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد. رکن مادی بزه کلاهبرداری مرکب از عناصری است و برای وقوع قانون بزه تحقق آنها لازم است و

^۱ نویسنده مسئول

نظر بر اینکه برای تحقق بزه کلاهبرداری اصول نتیجه مجرمانه لازم است کلاهبرداری جرم تلقی می‌گردد و از جمله جرایم عمدی و به عمد قصد مرتکب دارد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای به وجوه اشتراک و امتیاز جرم کلاهبرداری در ایران و سایر کشورهای اسلامی پرداخته شده است. از جمله موارد مشترک مجازات حبس و از جمله موارد افتراق در مجازات جریمه است.

مقدمه

آنچه که جرم کلاهبرداری را از سایر جرایم علیه اموال متمایز می‌سازد آن است که در اکثر این جرایم مال بدون رضایت یا آگاهی صاحب مال و حتی گاهی با توسل مجرم به اعمال خشونت آمیز از قربانی به مجرم منتقل می‌گردد در حالی که کلاهبرداری از این حیث از جمله جرایم استثنایی به شمار می‌رود. کلاهبردار به گونه‌ای عمل می‌کند که مالک یا متصرف مال فریب خورده و خود را از روی میل و رضا و چه بسا با التماس به امید کسب منافع سرشار مالش را در اختیار مجرم قرار می‌دهد. این اصطلاح اشاره به این واقعیت دارد که این جرم بیشتر توسط اشخاص برخوردار از مناصب اجتماعی و دخیل در امور بازرگانی ارتکاب می‌یابد و بیش از آن که جرم فقرا باشد جرم ثروتمندان است و وجود همین خصیصه در کلاهبرداران تعقیب و دستگیری آنها را مشکل‌تر از تعقیب و دستگیری سایر مجرمین می‌کند.

ریشه کلاهبرداری از نظر شریعت و فقه اسلام به تدلیس و گاهی غبن در معاملات مربوط می‌شود. لکن باید توجه نمود که از نظر حقوق اسلام عناصر تشکیل دهنده تدلیس مدنی از تدلیس جزایی متفاوت بود و در تدلیس جزایی شخص با وجود پیش بینی جوانب احتیاط و رعایت ضوابط و معیارها باز هم مغرور عملیات متقلبانه طرف مقابل می‌شود. به عبارت دیگر تدلیس جزای از باب اغفال است که در واقع نوعی کلاهبرداری است به نحوی که کلاهبردار با به کارگیری وسایل متقلبانه در اراده شخص مجنی علیه مستقیماً نفوذ کرده و او را مغرور عملیات خود می‌سازد در حالی که در تدلیس مدنی بحث اغفال مطرح نیست بلکه از باب غفلت است، زیرا یکی از طرفین معامله نسبت به مورد معامله که عین خارجی است مرتکب عملیاتی می‌شود که طرف دیگر معامله فریب خورده و این فریب به صورت غیرمستقیم بوده و صرفاً معلول سهل انگاری و بی دقتی و بی توجهی طرفی است که فریب خورده است. این مطلب اشاره به این واقعیت دارد که این جرم بیشتر توسط اشخاص با تمکن مالی مناسب و موقعیت‌های اجتماعی بالا ارتکاب می‌یابد و بیشتر از آنکه جرم طبقه ضعیف

جامعه باشد جرم افراد خاص است. وجود همین ویژگی در کلاهبرداران تعقیب و دستگیری آن‌ها را مشکل‌تر از تعقیب و دستگیری سایر مجرمی می‌کند. کسی که می‌تواند با برخورداری از هوش و ذکاوت و استعداد و سایر توان‌هایی که دارد آنچنان صحنه‌سازی می‌کند که قربانی با پای خود به دام او می‌افتد. مسلماً این توانایی را هم دارد که رد پای خود باقی نگذاشته و کشف جرم را برای ماموران مشکل سازد. البته در کنار این مسئله عامل دیگری نیز وجود دارد که کشف این جرم و مبارزه با مرتکبانان را برای پلیس مشکل می‌کند و آن عدم رغبت قربانیان جرم به گزارش کردن آنان است به طور کلی گفته می‌شود که در کشورهایی شرفته نیز مجموعاً تنها ۴۱ درصد از موارد پلیس گزارش می‌شود که در مورد کلاهبرداری حتی از این هم کمتر است.

• پیشینه پژوهش

در این موضوع پژوهش‌هایی انجام شده است که به برخی از آن‌ها در ذیل اشاره می‌کنیم: الف) فاطمه محمد سیاه پرانی در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای با عنوان «(بررسی تطبیقی جرم کلاهبرداری در حقوق ایران و مصر)» اینگونه بیان می‌کند که جرم کلاهبرداری در زمره جرایم علیه و مالکیت قرار دارد و از مباحث مهم حقوق جزا در حقوق کیفری ایران و مصر به شمار می‌رود تعریف این جرم به صورت مختصر عبارتند از بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه طبق رویه قضایی مس تعریف کلاهبرداری در ماده ۳۳۶ قانون تشخیص نظام و حقوق کیفری مصر قانونگذار در ماده ۳۳۶ قانون مجازات با اقتباس از لحاظ فرانسه تنها به بیان کلاهبرداری ساده اکتفا کرده است به لحاظ تسلط بر مال غیب با سرقت و خیانت در امانت متشابه است لیکن دارای خصوصیات ویژگی‌هایی است که آن را از جرایم مذکور جدا می‌کند از جمله به کار بردن وسیله متقلبانه افعال مالباختگان و تسلیم مال از طرف او به کلاهبرداری ویژگی خاص کلاهبرداری که در سایر جرایم وجود ندارد.

ب) جواد طیار در سال ۱۳۸۰ در مقاله‌ای با عنوان «(کلاهبرداری در حقوق جزای ایران و مصر)» اینگونه بیان می‌کند که امروزه حجم گسترده‌ای از پرونده‌های ارجاع شده به دستگاه

قضایی را جراح علیه اموال خاصه جرم کلاهبرداری تشکیل می‌دهد این پدیده مجرمانه که از آن به بحران قرن بیستم یا قرن جدید تعبیر می‌شود با صنعتی شدن جوامع توسعه تکنولوژی دآوری را در خصوص به کارگیری وسایل متقلبانه و اقبال اشخاص به خود اختصاص داده و هر ساله موجب خسارت جبران ناپذیری به حیات اقتصادی اجتماعی و جامعه بوده است.

ج(منصور رحمدل ۱۳۸۵ در مقاله ای با موضوع ((مطالعه تطبیقی تحصیل مال نامشروع و تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلام و غرب در نظام حقوقی ایران)) دو اصطلاح تحصیل نامشروع مال و تحصیل مال نامشروع مورد استفاده قرار گرفته است. استعمال عبارت نخست از زمان تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ شیوع بیشتری یافته است. دلیل آن است که قانونگذار مشخصاً در ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری از عبارت «طریق تحصیل فاقد مشروعیت قانونی» استفاده کرده است. بدون تردید منظور از عبارت مزبور همان تحصیل نامشروع مال است.

د(حسین میرمحمدصادقی ۱۳۹۰ در کتاب ((جرایم علیه اموال و مالکیت کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت و صدور چک پرداخت نشدنی (مطالعه تطبیقی))) اینگونه بیان می‌کند که موضوع بحث در این کتاب جرایم علیه اموال و مالکیت، که درصد قابل توجهی از جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهند، می‌باشد. اهمّ این جرایم عبارتند از: کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت و صدور چک پرداخت نشدنی که طی چهار فصل به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب مطروحه در این کتاب با دیدگاهی تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته اند. این تطبیق هم از جهت مقایسه حقوق ایران با حقوق مغرب زمین، مخصوصاً انگلستان و هم از جهت مقایسه مکاتب گوناگون فقه اسلامی با یکدیگر صورت گرفته است.

ه(مصطفی، نگهبان، وفادار، حسین؛ محمدی مقدم؛ در مقاله ای با موضوع ((راهبرد های جرم

یابی جرائم کلاهبرداری)) اینگونه نوشته است که: در زندگی اجتماعی امروز بشر تحول‌هایی صورت گرفته و با تأثیر از آن جرایم نیز اشکال متفاوتی به خود گرفته است که جرایم رایانه‌ای مصداق بارز این تحول‌ها در زندگی باهمادی (اجتماعی) انسان‌ها می‌باشد. با توجه به تحولات عظیمی که در عرصه تکنولوژی بوقوع پیوسته و انقلاب‌های مختلفی که در زمینه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در طی چند سال اخیر اتفاق افتاده است.

آنچه جنبه نوآوری و تمایز این پژوهش با سایر موارد است جنبه تطبیقی بودن آن در بین حقوق ایران اسلامی از سایر کشورهای اسلامی (مصر، امارات و ترکیه) است که به دلیل نزدیکی قوانین و منابع مشترک فقهی حقوقی می‌تواند به کامل کردن خلاءهای قانونی کشور کمک شایانی نماید.

بخش اول _ گونه شناسی جرم کلاهبرداری

در این بخش از پژوهش به گونه‌های این جرم به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

بند اول _ کلاهبرداری رفاهی: کلاهبرداری رفاهی، فریب دادن نهادهای دولتی برای اخذ امتیازات رفاهی بیشتر است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که: کلاهبرداری رفاهی به عنوان یکی از جرایم اقتصادی و از نظر فقه جرمی بر علیه بیت المال و تحصیل نامشروع مال است. در واقع مرتکبان جرایم یاد شده افرادی با هوش و تنها از طریق کلاهبرداری رفاهی می‌توانند از نتایج فعالیت‌های مجرمانه خود بهره‌مند شوند. افراد کلاهبردار هم به خاطر خلاءهای قانونی و با خلاقیت بیش‌تری مرتکب جرم کلاهبرداری رفاهی می‌شوند. مبانی جرم‌انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی در فقه عبارت‌اند از: اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل لاضرر، اصل مصلحت، اصل امانت‌داری، اصل نظم، و مبانی حقوقی آن مانند اصل ضرر، اصل امنیت، اصل پدرسالاری قانونی، اصل اخلاق‌گرایی قانونی را می‌توان نام برد. که بر اساس این اصول می‌توان جرم‌انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی را توجیه کرد. (امامی و استوارسنگری ۱۳۹۰: ۴۷).

بند دوم_کلاهبرداری از اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی دو دسته‌اند: اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی .

الف) اشخاص حقوقی حقوق عمومی

ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری را به شکل عام و برای تمامی اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و درواقع پیرو اصل برابری اشخاص در برابر قانون، همه اشخاص را از لحاظ کیفری در مقابل قانون مسئول می‌داند. لکن طبع و کارکرد بعضی اشخاص حقوقی حقوق عمومی، تصور مجازات شدن آن‌ها را سخت می‌گرداند؛ به همین دلیل تبصره ماده ۲۰، مجازات‌های مذکور در این ماده را در بعضی موارد، قابل‌اعمال بر برخی از این اشخاص ندانسته است. برخی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی هم هستند که اگرچه از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا نشده‌اند، لکن به‌طور ضمنی می‌توان آن‌ها را از این قاعده مستثنا دانست. پس از بررسی مستثنیات صریح مذکور در تبصره ماده ۲۰، اشاره‌ای هم به مستثنای ضمنی این قاعده خواهد شد: تبصره ماده ۲۰ بعضی از موارد را بدین نحو، صراحتاً از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا کرده است: «(مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود)». برای فهم دقیق این تبصره لازم است دو نکته مذکور در آن روشن شود؛ اشخاص حقوقی مذکور در ماده و موارد اعمال حاکمیت. در مورد اشخاص حقوقی مذکور در ماده باید گفت که دو دسته از اشخاص حقوقی حقوق عمومی در این ماده احصاء شده است:

دسته اول، اشخاص حقوقی دولتی است. منظور از آن مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی مذکور در مواد ۲ و ۴ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» و تمامی اشخاص دیگری است که بیش از ۵۰٪ سرمایه و سهام آن از طریق منابع دولتی تأمین می‌شود (و البته شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد) اعم از بانک‌های دولتی، دانشگاه‌های دولتی و ... است. باید توجه داشت که در این مورد، دولت در معنای عام خود (مجموعه حاکمیت

سیاسی کشور) به کاررفته است.

دسته دوم، اشخاص عمومی غیردولتی است که تعریف آن (همان‌طور که در مبحث اول این فصل گفته شد) در ماده ۵ «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶» و ماده ۳ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» ذکر شده است و مصادیق آن شوراهای اسلامی شهر و روستا و موارد دیگری که در «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳» آمده، است.

نکته دوم، موارد اعمال حاکمیت است. اشخاص مذکور در ماده به‌طور کلی از مسئولیت کیفری معاف نیستند؛ بلکه تنها در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند از این امتیاز برخوردارند. منظور از اعمال حاکمیت، مواردی است که اشخاص حقوقی حقوق عمومی، اعمالی را انجام می‌دهند که در انجام آن‌ها، حاکم و قدرت مطلق می‌باشند و به‌وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهند و تحکم می‌کنند و این اعمال قابل تفویض نیستند. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ امور حاکمیتی را تعریف نموده و مصادیق آن را بیان کرده است. لکن شوربختانه این ماده باوجود ذکر موارد متعدد، با آوردن عبارت «از قبیل»، مصادیق امور حاکمیتی را به‌صورت تمثیلی بیان کرده است؛ بنابراین مشخص نیست باوجود این مصادیق متعدد، چه امور دیگری ممکن است، حاکمیتی تلقی شود

ب) اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: گروه اول شرکت‌های تجاری و گروه دوم مؤسسات غیرتجاری که انجمن‌ها و سندیکاها از جمله گروه دوم محسوب می‌شوند. برای مسئولیت کیفری کلیه اشخاص حقوقی لازم‌الرعايه بود؛ لکن ضوابطی هم هست که تنها مخصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی است. محدوده زمانی که اشخاص حقوقی در آن مسئولیت کیفری دارند، یکی از این ضوابط است. این موضوع در مورد تمامی اشخاص حقوقی کاربرد نداشته و صرفاً بر شرکت‌های تجاری که اهداف سودجویانه دارند و توسط مؤسسين تأسیس می‌شوند و باید مراحل و تشریفات

مربوط به تشکیل شرکت را رعایت کنند و نیز هنگام انحلال مرحله تصفیه را سپری کنند، صدق می‌کند؛ زیرا شرکت در این دو مقطع زمانی یعنی در دوران تشکیل و بعد از انحلال (در زمان تصفیه) یا فاقد شخصیت حقوقی است یا شخصیت حقوقی کاملی ندارد.

بخش دوم_ ضوابط عام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در این قسمت با توجه به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضابطه‌های لازم برای تحقق مسئولیت کیفری کلیه اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ماده ۱۴۳ بیان می‌دارد: مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

بند اول_ مبنای نظری پذیرفته‌شده برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

ارتکاب جرم از طرف تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم تحقق ارکان مادی و معنوی آن جرم است؛ لکن اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به این اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند. حقوق کیفری بر یک رویکرد فردگرایانه مسئولیت اتکا دارد. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تأثیرگذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری ازجمله حوزه‌هایی هستند که به شدت متأثر و در معرض تحلیل فردی قرار دارند (عبداللهی ۱۳۸۹: ۱۴۷). طبعاً در این رویکرد، انتساب جرم به شخص حقوقی و طرح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با موانع جدی رو به رو خواهد بود. لکن مهم‌ترین مانع در این راه، مسئله اسناد تقصیر است. اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی دشوار است. مایکل مور دلیل آن را استلزام دو اصل عقلانیت و استقلال فردی در اسناد تقصیر می‌داند (برای مطالعه بیشتر ر.ک Moore ۱۹۸۵: ۲۳).

در نظریه دیگر که در برخی کشورها پذیرفته شده «مسئولیت مافوق یا کارفرما» یا مسئولیت

کیفری اشخاص حقوقی ناشی از قصور در اعمال نظارت و کنترل است. به موجب این نظریه در مواردی که در اثر فقدان نظارت و کنترل صحیح بر اعمال زیردستان، جرمی ارتکاب یابد و یکی از افرادی که در شخص حقوقی سبب ارشد و هدایت کننده داشته است در این فقدان نظارت یا مدیریت صحیح مقصر باشد، به گونه‌ای که مجموعه ساختار و رویه شخص حقوقی را بتوان در ارتکاب این جرم مقصر دانست، شخص حقوقی به خاطر جرایم این کارکنان مسئولیت کیفری خواهد داشت. این نظریه بر فرضیه واقعی بودن اشخاص حقوقی مبتنی است و بر این باور شکل گرفته که تقصیر کیفری را می‌توان در ساختار، رویه و سیاست شخص حقوقی جستجو کرد. این نظریه این حُسن را دارد که تمامی ارکان شخص حقوقی را وادار می‌کند تا نظارت کافی بر رفتار زیردستان و بر ساختار شخص حقوقی داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت مجازات برای شخص حقوقی مقرر خواهد شد و این مجازات بر همه آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. در انگلستان «دکترین تجمیع» مورد پیشنهاد قرار گرفت که به موجب آن قابلیت سرزنش لازم برای تحقق جرم از تلفیق اعمال جمعی اشخاص مختلفی درون شرکت به وجود می‌آید (کلارکسون ۱۳۹۰: ۲۳۲).

بند دوم_ جرایم قابل انتساب به اشخاص حقوقی

در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران، ضابطه پذیرش مسئولیت کیفری به صورت کلی ذکر شده و جرایمی که توسط این اشخاص قابل ارتکاب است، احصاء نشده و ظاهراً قاعده مسئولیت کیفری عام مورد پذیرش قرار گرفته است. لکن با بررسی عمیق تر می‌توان برخی از جرایم را از شمول جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی جدا کرد. قانون‌گذار جرایم را با توجه به مجازات آن‌ها در کتاب‌های مختلف قانون مجازات اسلامی تقسیم‌بندی کرده است، حدود در تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰، جزء مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی ذکر نشده‌اند؛ بنابراین جرایم مستوجب حد از شمول جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی خارج خواهند بود. این امر با توجه به ماهیت فردمدارانه جرایم موجب حد و مجازات‌های قابل اعمال بر آن‌ها (رجم، قتل، شلاق و...) طبیعی است.

بخش سوم_ جرم کلاهبرداری در حقوق مصر

کلاهبرداری از شایع ترین جرایمی است که گریبان گیر دنیای متمدن امروزی است و هر سال خسارات فراوان و جبران ناپذیری را به تجار و بازرگانان و بنگاه های مالی و بانکی وارد می نماید و حتی روابط عادی و دادوستدهای معمولی بین مردم را تحت الشعاع قرار داده و موجب کاهش اعتماد مردم در معاملات و امور تجاری نسبت به یکدیگر می گردد. در کشور مصر نیز مانند سایر کشورها، کلاهبرداری از جمله جرائمی است که نسبت به سایر جرائم شیوع بیشتری دارد و قسمت زیادی از اوقات مراجع قضایی را به خود مشغول می دارد. توسعه روزافزون این جرم و پیچیدگی آن، قانون گذاران کشورهای مختلف را برآن داشته که این جرم را تحت عنوان خاص، تبیین نموده و مجازات های تقریباً سنگینی را برای مرتکبین آن پیش بینی نمایند.

بند اول_ عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری در مصر

عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری عبارتند از:

الف) رکن قانونی

ماده ۳۳۶ قانون مجازات عربی مصر کلاهبرداری را این گونه تعریف نموده هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود طرح ها و نقشه های کاذب یا امور غیرواقعی یا ایجاد امید کسب سودهای واهی، یا وصول حساب های تصفیه نشده و معوقه غیرواقعی و متقلبانه یا به وجود اسناد و اختیارات موهوم یا اسناد مفاصا حساب جعلی و تقلبی یا به تصرف و تملک در اموال منقول یا غیرمنقول که متعلق به او نیست یا حق تصرف در آن ها ندارد یا با اتخاذ اسم و عنوان جعلی و غیرواقعی امیدوار کرده و فریب دهد وازا این راه بر وجوه یا اموال یا اسناد ذمه ای یا مفاصا حساب یا هر مال منقول فرد دیگری دسترسی پیدا کرده و تمام یا قسمتی از آن ها را ببرد به مجازات حبس محکوم می گردد. قانون گذار مصر در ماده فوق الذکر تنها مجازات حبس را برای این جرم پیش بینی نموده است. ماده ۳۳۶ قانون مجازات تنها به بیان کلاهبرداری ساده اکتفا کرده است. ریشه همه این مقررات ماده ۴۰۵ قانون

جزای فرانسه است.

(ب) رکن مادی

حقوق جزا متضمن اصولی است حاکم بر رفتار انسان ها و توأم با تضمین های که حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که مادئاً به منصفه بروز و ظهور نرسیده است به مجازات نمی رساند. زیرا قصد سوء تا وقتی انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست خطری برای نظم اجتماعی در بر ندارد بنابراین، شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی دست کم به مرحلهی فعلیت برسد. در واقع فریب و غرور این است که شخص نداند که کلاهش برداشته می شود. فعل مادی خارجی به علاوه غرور برابر جنبه شخصی ندارد بلکه دارای جنبه نوعی است پس عمل مرتکب ضرر به اضافه قصد اغفال که فریب نتیجه عمل است و فریب خورده جاهل به خلاف بودن آن است قصد و علم و توسل لازم است ولی کافی نیست فریب اولیه محقق شده باشد، عرفاً قابلیت اغفال را دارا و متعارف باشد پس برای تحقق جرائم کلاهبرداری صرف بودن مال کافی به نظر نمی رسد بلکه متقلبانه بودن عمل متهم دارای اهمیت بسیاری می-باشد و وسیله ارتکاب جرم مذکور نقش مهمی در ایجاد مسئولیت کیفری متهم ایفا می کند.

در واقع فریب خوردن شاکی و به کار گرفتن وسایل متقلبانه هر یک شرایط جداگانه برای تحقق جرم کلاهبرداری محسوب می شوند. ب- که همان متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده (انواع مکر و حیل و تقلب) نیز با قسمت الف توأم و در ارتباط کامل باشد. ج- اغفال و فریب که با قسمت های الف و ب توأم و در ارتباط کامل بوده و یکدیگر را می پوشاند. د- تعلق به مال غیر و حصول نتیجه یعنی تحصیل و بردن مال غیر است.

(ج) رکن معنوی

در کلاهبرداری توسل به حیل و تقلب که مانورهای متقلبانه، نمونه ی بارز است و بردن مال غیر به وسیله آن، پایه های اساسی مادی را تشکیل می دهد که هر دو نمایانگر فعل مثبت مادی است. بنابراین ترک فعلو سکوت مرتکب هر چند واجد سوءنیت باشد و منجر به

اغفال مالباخته و تحویل مال به کلاهبردار شود برای کلاهبرداری کافی نیست. زیرا هر چند پرداخت کننده متضرر شده، تحویل گیرنده هیچ گونه اقدام مثبتی که منجر به اغفال او شده باشد، انجام نداده و فریب مالباخته ناشی از اعمال متقلبانه او نبوده است (حبیب زاده، ۹۰).

بخش چهارم _ کلاهبرداری در حقوق امارات متحده عربی

قوانین جرم و مجازات در امارات در نوع خود منحصر به فرد است و به دلیل ماهیت سخت گیرانه‌ای که دارد، توجهات بین المللی را به خود جلب کرده است. شهر امارات به عنوان یکی از هفت عمارت تشکیل دهنده کشور امارات متحده عربی، به دلیل سبک زندگی مجلل و زیرساخت های پیشرفته شهری شناخته می شود. با این حال، در زیر پوست این شهر قوانین مختلفی نیز وجود دارند که باعث شده است تا توجهات بسیاری را به خود جلب کند.

بند اول _ عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری در امارات

الف) رکن قانونی

چهارچوب قوانین جرم و مجازات در امارات بر اساس ترکیبی از قوانین اسلامی و قوانین مدنی پایه ریزی شده است. قوانین اسلامی همانند کشور ما بر پایه شریعت بوده و اساس سیستم عدالت کیفری امارات (UAE Judicial System) است. طبق قوانین شرعی، همان طور که در کشور ما نیز رایج است جرائم به دو دسته کلی حدود و تعزیر تقسیم می شوند. جرایم «حدود» در شریعت اسلام تعیین شده اند و مجازات ثابتی را دارند. از جمله آنها می توان به دزدی، زنا، ارتداد و شرب خمر اشاره کرد. از طرف دیگر جرایم تعزیری را داریم که علیه افراد یا بخشی از جامعه بوده و مشمول مجازاتی خواهد بود که قاضی شرع تعیین می کند. یکی از شناخته شده ترین جنبه های سیستم قوانین جرم و مجازات در امارات، موضع سخت آن در قبال جرائم مربوط به مواد مخدر است. ارتکاب هرگونه جرم در این حوزه از جمله استفاده یا قاچاق مواد مخدر، جرمی بسیار سنگین محسوب می شود. به گونه ای که می تواند منجر به مجازات های شدید از جمله حبس طولانی مدت و حتی اعدام

شود .

(ب) رکن مادی

قوانین جرم و مجازات در امارات، دزدی را برداشتن مال متعلق به شخصی غیر از مجرم تعریف می‌کند و مشمول مقررات قانون جزای امارات است. اگر در امارات متحده عربی مرتکب سرقت شوید، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا جریمه نقدی محکوم خواهید شد. اقدام به سرقت نیز طبق قانون امارات جرم است که مجازات آن حبس از ۳ ماه تا ۱۸ ماه یا جزای نقدی خواهد بود. در امارات، مدعی‌العموم کسی است که متهم را به ارتکاب سرقت متهم می‌کند. شیء دزدیده شده باید یک مال منقول واقعی باشد که ارزش واقعی داشته و در تملک دیگران باشد. دو عامل کلیدی برای اثبات جرم سرقت عبارت‌اند از (قصد) و (عمل) قصد، یعنی باید قصد ارتکاب سرقت وجود داشته باشد و عمل باید متضمن تصرف شی توسط شخص دیگری بدون رضایت او باشد. تصرف اشیای متروکه سرقت محسوب نمی‌شود. قبل از ارتکاب جرم سرقت، باید مالکیت مال احراز شود. اگر شخصی در جایی چیزی را فراموش کند، هیچ‌کس حق ندارد آن را به‌عنوان مال متروکه مطالبه کند.

(ج) رکن معنوی

در قوانین جرم و مجازات در امارات اهمیت زیادی برای حفظ نظم و امنیت عمومی قائل شده‌اند. فساد عمومی، عمل منافی اخلاق و ابراز محبت عمومی از جرایم علیه عفت عمومی محسوب می‌شود. چنین اعمالی می‌تواند منجر به جریمه، حبس یا اخراج برای افراد غیر شهروند شود.

یکی دیگر از جنبه‌های قابل‌توجه قوانین جرم و مجازات در امارات رویکرد آن به جرایم سایبری است. با ظهور فناوری و اینترنت، امارات قوانینی را برای مبارزه با جرایم سایبری مانند هک، سرقت هویت و کلاهبرداری آنلاین وضع کرده است. قانون سایبری امارات متحده عربی مجازات‌های شدیدی از جمله حبس و جریمه را برای افراد با جرایم سایبری در نظر گرفته است. قوانین جرم و مجازات در امارات درباره جرائم رانندگی (UAE traffic

(law) نیز مقررات مفصلی را دربر گرفته‌اند. سرعت غیرمجاز، رانندگی و بی‌احتیاطی تحت تأثیر مصرف الکل یا مواد مخدر از جرمه‌های بسیار جدی در امارات هستند که منجر به جرمه نقدی و تعلیق گواهینامه شود و می‌تواند حتی حبس فرد مرتکب پیش برود. قوانین جرم و مجازات در امارات با سخت‌گیری و پایبندی به اصول اسلامی مشخص می‌شود. در نهایت، این قوانین جامعه امارات را شکل می‌دهند و نقش مهمی در حفظ نظم و قانون دارند.

بخش پنجم _ جرم کلاهبرداری در حقوق ترکیه

وجود محدودیت‌های اقتصادی در کشورهای مختلف باعث شده تا پرداختن به مبادلات دیجیتالی در کشورهایی که نسبت به نحوه مراودات این گونه اموال تصمیم سهل‌تری را اتخاذ نموده‌اند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اما از سوی دیگر این تمرکز اثرات سوء دیگری نیز داشته است. از جمله موارد فوق می‌توان به تمرکز کلاهبرداران که به شیوه‌های غیرقانونی درصدد کسب درآمد بوده‌اند اشاره کرد. کشور ترکیه از جمله کشورهایی است که به دلیل موقعیت اقتصادی آن و نیز پل ارتباطی بین آسیا و اروپا مورد توجه افرادی قرار گرفته است که در زمینه معاملات ارزهای دیجیتال فعالیت دارند. این امر خود باعث شده است تا تمرکز ثروت در این کشور مورد توجه بسیاری از افراد سوء استفاده کننده قرار گیرد و نهایتاً منجر به بالا رفتن آمار کلاهبرداری خصوصاً در زمینه ارزهای دیجیتال گردد.

بند اول _ عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری در ترکیه

عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری در ترکیه عبارتند از:

الف) رکن قانونی

در ترکیه، کلاهبرداری به عنوان یک جرم از طریق قانون مجازات ترکیه قابل پیگیری است. مطابق با این قانون هر فردی که با ادعای داشتن ارتباط با دولت یا نهاد دیگری، افرادی را فریب داده و از آن‌ها مبالغ غیرقانونی دریافت کند، محکوم به یک الی پنج سال زندان یا جرمه نقدی خواهد شد.

طبق قانون مجازات ترکیه، تعریف کلاهبرداری به شرح زیر است:

هرکس با اعمال متقلبانه شخصی را فریب دهد و برای خود یا دیگری به ضرر او منفعت برساند به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی محکوم می‌شود. به عبارت دیگر برای وقوع کلاهبرداری باید فرد فریب‌خورده و از رفتار متقلبانه منتفع شود؛ بنابراین، هم رفتار متقلبانه و هم فریب و منفعت باید با هم باشد.

ب) رکن مادی

روش‌های زیادی برای کلاهبرداری املاک در ترکیه وجود دارد. به‌طوری‌که برخی از آن‌ها به امری عادی تبدیل شده‌اند. برخی از آن‌ها مبهم و مرموز باقی می‌مانند و نیاز به توجه شدید سرمایه‌گذار دارند. با ارائه مستندات میتوان شکایت از کلاهبردار در ترکیه را کلانتری کرد. جرم کلاهبرداری زمانی اتفاق می‌افتد که مرتکب با اعمال متقلبانه شخصی را فریب دهد و به نفع خود یا دیگری و به ضرر قربانی منتفع شود. در جرم کلاهبرداری رضایت قربانیان کلاهبرداری مطرح است؛ اما این رضایت قربانیان کلاهبرداری با رفتار متقلبانه قربانی و با فلج کردن اراده آنها صورت گرفته است. به همین دلیل نمی‌توان اراده قانونی مرتکب را در جرم کلاهبرداری ذکر کرد. اثبات این که اراده بزه‌دیده با اعمال متقلبانه در جرایم کلاهبرداری صدمه‌دیده است بسیار مهم است. شکایات دادستانی که بدون دلیل و مدرک صورت می‌گیرد، عموماً به عنوان اختلاف حقوقی تلقی می‌شود و قرار عدم تعقیب صادر می‌شود.

۳-۲-۶ رکن معنوی

بنابراین هر اقدامی که به قصد فریب طرف مقابل به منظور کسب منفعت انجام شود، کلاهبرداری محسوب می‌شود. قانون اجازه شکایت از کلاهبردار در ترکیه را به کسی که مورد کلاهبرداری واقع شده است، می‌دهد. کلاهبرداری شامل کتمان و تحریف حقایق، سرقت، گزارش نادرست یا حذف حقایق است، اما محدود به آن نیست و برای سود انجام می‌شود.

نتیجه گیری

تفاوت های اساسی در زمینه جرایم فساد در کشورها وجود دارد که برگرفته از فرهنگ یا عوامل دیگر هر کشور می تواند باشد. نشان می دهد که تفاوت های مهمی در زمینه موضوع جرایم فساد قابل همکاری بین المللی قضایی، مرجع درخواست کننده و تعارض های صلاحیتی میان نهادهای مختلف مجری در جمهوری اسلامی ایران با نظام حقوقی بین المللی وجود دارد.

وجوه اشتراک عبارتند از: یک مقایسه کوچک بین قانون مجازات ایران و مصر و ترکیه و امارات نشان می دهد که در ایران پس از تصویب قانون جزا صرف نظر از بعضی موارد فقهی و شرعی، قسمت اعظم قانون جزای ایران ترجمه قوانین جزایی فرانسه و بلژیک و بعضی از کشورهای اروپایی بوده است، در قانون مجازات مصر امارات و ترکیه هم دقیقاً همین اتفاق پیش آمده است تا جایی که شماره های مواد قانون جزای این کشور با قانون جزای ایران تطبیق و حتی توالی شماره های آن ها با هم انطباق دارد و گاهی ترجمه مواد قانون جزای فرانسه و بلژیک در قانون هر چند کشور اسلامی، یک متن بدون یک کلمه کم و زیاد است با توجه به این مطلب مشاهده میشود که ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در حقوق ایران و ماده ۵۷۷ ۳۳۶ قانون جزای مصر و ترکیه یکی میباشند و هر دو کلاهبرداری را تحصیل مال از طریق وسایل متقلبانه و فریب میدانند تغییرات کوچکی در متن ماده دو کشور دیده میشود که به نظر میرسد این دو ماده در حقوق ایران و مصر ترکیه و امارات برگرفته از حقوق یک کشور (فرانسه) میباشند که با اعمال تغییرات جزئی در کلمات و متن ماده در قانون این کشورها مورد استفاده قرار گرفته است.

وجوه افتراق عبارتند از: ماده ۳۳۶ قانون جزای مصر، (حجاریان، ۱۳۹۰: ۱۶۳) کلاهبرداری را بردن مال منقول متعلق به دیگری میداند و اشارهای به بردن اموال غیرمنقول متعلق به دیگری از طریق فریب و حيله ... نکرده است و باید دید که اگر کسی از طریق توسل به

وسایل متقلبانه و فریب مال غیرمنقول دیگری را تصاحب کند در حقوق مصر و امارات و ترکیه مرتکب جرم کلاهبرداری شده یا اینکه این جرم عنوان مجرمانه دیگری در حقوق این کشور دارد. اما در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در قانون جزای ایران، کلاهبرداری را تحصیل مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه دانسته است، به نظر میرسد منظور از مال دیگری در این تعریف، اموال منقول و غیرمنقول شخص می باشد.

منابع و مأخذ

الف (منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲. گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۹۶)، بایسته های حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)، نشر میزان.
۳. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد.
۴. محمسانی، صبحی، (۱۳۵۸)، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. میرمحمدصادقی، حسین(مترجم)، حقوق جزای اختصاصی انگلستان.
۶. میرمحمدصادقی، (۱۳۹۵)، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان.
۷. الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن؛ (۱۳۹۳)، حقوق جزای اختصاصی ۲ «جرایم علیه اموال و مالکیت»، انتشارات مجد، چاپ سوم، ص ۵۶.
۸. اراماراتلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۹. اراماراتلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر میزان.
۱۰. جعفرقلی زاده، هادی (۱۳۹۶)، تعلیق اجرای مجازات، تهران، نشر آشنایی.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹)، لغتنامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۱۳. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر مجد.
۱۴. عبداللهی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درس هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۵. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، حقوق جنایی، تهران، نشر فردوسی.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر امیرکبیر.
۱۷. غلامی، حسین (۱۳۹۰)، بررسی حقوق و جرم شناختی تکرار جرم، تهران، نشر میزان.

۱۸. فرهنگ حقوقی انگلیسی - فارسی (۱۳۹۵)، تهران، نشر معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
۱۹. قربانی، امیرحسین (۱۳۹۵)، کلاهبرداری از دیدگاه حقوق ایران، تهران، نشر کتاب آوا.
۲۰. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان.
۲۱. نوربها، رضا (۱۳۸۳)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر گنج دانش.
۲۲. رنه داوید، (۱۳۹۶) نظام های بزرگ معاصر، ترجمه سید حسین صفایی، سید عزت الله عراقی و محمد آشوری تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ب) منابع لاتین

۱. Beale, Sara Sun & Safwat, Adam, "What Developments in Western Europe tell us about American critiques criminal liability?" Buffalo Criminal Law Rev. Vol. ۸, ۲۰۰۵.
۲. Jefferson, Michael, Criminal law, ۵th ed, London, Longman Pearson Education Limited, ۲۰۰۱.
۳. Moore, Michael, The Moral and Metaphysical Sources of the Criminal Law, in Pennock and chapman, ۱۱, ۱۹۸۵.
۴. Tarelli, Elis, "A Brief Introduction to the Principles and Rules for Determining Corporate Criminal Liability" (September ۱۰, ۲۰۰۴), ۳-۵, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۴۶۷۸۱۷>.
۵. Wells, Celia, Corporations and Criminal Responsibility, ۲nd, Oxford, Oxford University Press, ۲۰۰۱.
۶. Consumer fraud victimization and financial well-being ۲۰۱۹